

The Analysis of the Word "Riḍā" in Ṣahifah Sajādiyyeh

Zahra Baghbanan (M.A. in Islamic Philosophy and Theology, Baqiru-Ulum University)
Mohammad Mehdi Ahmadi Faraz (Faculty Member of Ashrafi Esfahani)

Abstract

Imam Sajjad (pbuh) during the time of repression following the event of Ashura raised deep themes in prayer as a reminder of the purpose of this uprising. One of the themes of interest is Riḍā. Imam Sajjad (AS) has mentioned "Reza" ٧٩ times in the Ṣahifah Sajādiyyeh; Therefore, in this study, by referring to the text of Ṣahifah Sajādiyyeh, the concept of Riḍā is explored and its ways of gaining it and its functions in the view of Imam Sajjad has been analyzed by descriptive-analytical method. If human beings when they are in a state of calamity, and affliction, they look like as if they are in a state of transcendence and prosperity, they have reached Riḍā; however, according to Imam Sajjad (as), Riḍā is a two-way relationship between God and Man. Humans can satisfy God by observing standards such as faith, righteous deeds, obedience to God, abstinence of sins, and doing what is right. Similarly, a servant with his attitude and behavior can express his satisfaction with God. In the behavioral dimension, obedience to God and his successors on earth, worship of God, and in the attitude dimension, satisfaction with God's fate, and testimony that God divides provision justly among the servants, causes the servant's satisfaction with God. When God is pleased with a servant, he protects him from the harms of evil, as he raises the rank of such a servant among the servants and rewards him with Paradise.

Keywords: Riḍā, Riḍwān, Ṣahifah Sajādiyyeh, Imam Sajjad, Sakhat

واکاوی واژه رضا در صحیفه سجادیه

زهرا باغبانان،* محمد مهدی احمدی فراز**

چکیده

امام سجاد علیه السلام در دوران خفقان بعد از قیام عاشورا برای یادآوری هدف این قیام، مضامین عمیقی را در قالب دعا مطرح کردند. یکی از مضامین مورد توجه «رضا» است. امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه ۷۹ بار به «رضا» اشاره نموده اند؛ با این وجود بررسی آن در صحیفه مورد توجه محققان قرار نگرفته است. از اینرو در این تحقیق با مراجعه به متن صحیفه سجادیه، مفهوم رضا تبیین و راه‌های تحصیل آن و کارکردهای آن در نگاه امام سجاد با روش توصیفی - تحلیلی، واکاوی شده است. اگر انسان‌ها حالشان در موقعیت بلا، گرفتاری و مصیبت مانند وقتی باشد که در حالت رخاء و آسایش و رفاه به سر می‌برند، به مقام رضا رسیده اند؛ البته طبق دیدگاه امام سجاد علیه السلام، رضا یک رابطه دو سویه بین خدا و بنده است؛ انسان‌ها با رعایت معیارهایی مانند ایمان، عمل صالح، اطاعت از خدا، ترک گناه و انجام

* کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهان.

zb_90@yahoo.com

Dm_ahmadifراز@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵



واجبات، می توانند موجبات رضایت خدا از خودشان را فراهم کنند. همچنانکه، بنده با نگرش و رفتارش می تواند رضایت خود از خدا را نشان دهد. در بعد رفتاری، اطاعت از خدا و جانشینان او در زمین، عبادت خدا و در بعد نگرشی، رضا به قضای الهی و شهادت به اینکه خداوند، رزق را به عدالت در میان بندگان تقسیم می کند، نشان دهنده رضایت بنده از خداست. هنگامی که خدا از بنده ای راضی باشد، او را از حوادث شر محفوظ می دارد؛ همچنان که درجه چنین بنده ای را در میان بندگان بالا می برد و بهشت را به او پاداش می دهد.

کلید واژه‌ها

رضا، رضوان، صحیفه سجادیه، امام سجاده علیه السلام، سخط.

مقدمه

یکی از مقامات بلند معنوی و عرفانی در حرکت و سیر به سوی خدا، توجه به رضوان و خشنودی خداوند است. رضا در علم روان شناسی يك احساس درونی است؛ هر چند این احساس، از دنیای خارج و واقعیت های بیرونی منقطع نیست و می تواند تحت تأثیر آن ها باشد (پسندیده، ۱۳۹۲، ص ۱۹). البته رضا در نگاه قرآن و روایات يك رابطه دو سویه بین خدا و بنده است، هر چند مفهوم رضایت برای خدا با مفهوم رضایت برای انسان یکی نیست؛ چون رضایت در انسان حالتی است برای نفس که در مواجهه با هر چیزی که ملایم با نفس باشد، بر نفس عارض می شود. اما وقتی این کلمه به خدای سبحان (که نه نفس دارد و نه دل) نسبت داده می شود، مراد از آن ثواب و عقاب اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۶۷) در احکام دینی هر امری برای کسب رضای خدا صورت گیرد، مورد قبول حضرت حق واقع می شود؛



همان‌طور که هدف قیام عاشورا، کسب رضای الهی بود و مورد قبول و رضای خدا قرار گرفت. امام سجاد علیه السلام به این مسئله توجه ویژه داشته و در صحیفه سجادیه در میان دعا‌های خود به آن اشاره کرده است. با این وجود بیشتر محققان به بررسی رضا در قرآن پرداخته‌اند؛ از جمله سیدجلیل انصار محمدی در مقاله «تبیین مقام رضا در قرآن کریم» ضمن بازشناسی معنای لغوی و اصطلاحی رضا، دیدگاه مفسران و عالمان عرفان و اخلاق را دربارهٔ رضا بیان کرده و با استفاده از آیات و روایات، راه‌های تحصیل رضوان الهی در قرآن را بررسی و در پایان، آثار و نتایج مقام رضا را برشمرده است. بتول امینی در مقاله «فضیلت مقام رضا و راه‌های کسب آن» به واکاوی واژهٔ رضا و مقایسهٔ آن با مفاهیم مرتبط پرداخته و با استناد به آیات و روایات، مهم‌ترین راه‌های کسب رضا را بیان کرده است. همچنین، علی محامد در مقاله «رضا به قضا و قدر الهی» بعد از تعریف رضا از دیدگاه فلاسفه، با استدلال‌هایی امکان تحقق رضای الهی در انسان و راه‌های دستیابی رضا به قضا و قدر الهی را بررسی کرده است. با اینکه رضا ۷۹ بار در صحیفه سجادیه تکرار شده، مورد توجه محققان قرار نگرفته است و در تحقیقات خود تنها گاهی به سخنان امام سجاد علیه السلام استناد کرده‌اند. این در حالی است که صحیفه سجادیه، همانند نهج البلاغه، مفسر قرآن است و مجملات قرآن را به تفصیل بیان کرده است تا مردم از طریق آن به سعادت دست یابند. نوشتار حاضر، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخگویی به این سؤال است که رضا از منظر امام سجاد علیه السلام به چه معناست و راه‌های تحصیل آن و کارکردهای آن در نگاه امام سجاد علیه السلام کدامند؟ در این تحقیق بعد از شناسایی معنی رضا از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، راه رسیدن به این مقام از منظر ایشان تبیین، و آثار و کارکردهای آن تحلیل شده است.



۱- معنی رضا

رضا، مفهومی اخلاقی و دینی است که در قرآن، احادیث، متون کلامی و عرفانی و امروزه در روان‌شناسی به آن توجه شده است. لذا ابتدا، معنی لغوی رضا بیان می‌شود و سپس، معنی اصطلاحی آن در اخلاق، عرفان و روان‌شناسی بررسی می‌شود.

۱-۱- رضا در لغت

رضا، مصدر مقصور از ماده «رضو» و «رضاء»، اسم ممدود از همان ماده، به معنی خرسندی، پذیرش و توافق است (قرشی، ۱۳۰۷ق: ج ۳، ص ۱۰۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ص ۷۹-۸۰). اسم آن، مرضی و مرضو است. وقتی گفته می‌شود: «رضا العبد عن الله» یعنی بنده از اجرای قضاء و حکم خدا اکراه ندارد و به آن خشنود است. و وقتی گفته می‌شود: «رضا الله عن العبد» یعنی خشنودی خدا از بنده در این است که می‌بیند امرش را به کار می‌برد، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. خدای تعالی گوید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ (مائده: ۱۱۹)، ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (فتح: ۱۸)، ﴿وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳) و ﴿أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ﴾ (توبه: ۳۸).

علاوه بر اصطلاح رضا، واژه رضوان (به معنی خشنودی زیاد) نیز در قرآن و صحیفه سجادیه به کار رفته است. با توجه به اینکه بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خدای تعالی است، در قرآن واژه رضوان به هر چه که از اوست، اختصاص یافته است. خدای تعالی گوید: ﴿يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (فتح: ۲۹) و ﴿يَبْشُرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ﴾ (توبه: ۲۱) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ص ۷۹-۸۰) رضوان الهی، بزرگ‌ترین نعمت بهشتی است که از آن با تعبیر «فوز عظیم» یاد شده و در فرهنگ اسلامی غایت سعادت بشری است و هر چه انسان بخواهد در آن فراهم است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۶، ص ۳۶۰).



۲-۱- رضا در اصطلاح علوم (اخلاق، عرفان، روان‌شناسی)

در اصطلاح علم اخلاق، «رضا» ضد سخط و به معنی ترك اعتراض بر مقدرات الهیه در باطن و ظاهر، قولاً و فعلاً، است. صاحب مرتبه رضا پیوسته در لذت و بهجت و سرور و راحت است؛ زیرا نزد او تفاوتی میان فقر و غنا، راحت و عنا، بقا و فنا، عزت و ذلت، مرض و صحت و موت و حیات نیست. هیچ‌یک از این‌ها در نظر او بر دیگری ترجیح ندارد و هیچ‌کدام بر دل او گران نیست؛ زیرا همه را صادر از خدای تعالی می‌داند. به واسطه محبت حق که بر دل او رسوخ کرده، عاشق همه افعال اوست و آنچه از خدا می‌رسد با طبع او موافق است (نراقی، ۱۳۴۸: ص ۷۶۷).

حالت و وضع روحی فرد راضی در موقعیت بلا، گرفتاری و مصیبت مانند وقتی است که در حالت رخاء و آسایش و رفاه به سر می‌برد؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که انسان در حال خوشی و آسایش از زندگی اش راضی است، گله‌ای ندارد و جزع و فزع نمی‌کند، متقین نیز در حال بلا و مصیبت همین‌گونه هستند. اینکه بلا بر آن‌ها نازل شده باشد یا نعمت فراوانی به آن‌ها رسیده باشد، برایشان تفاوتی ندارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: جلسه ۱۹).

نزد عرفا رضا مقام والایی دارد و آن را از بالاترین مقامات یقین و مقام موقنین (مکی، ۱۳۱۰ق: ج ۲، ص ۳۸) و از مکارم اخلاق و اخلاق مرسلین و مقربان و کریمان (خرگوشی، ۲۰۰۶م: ص ۱۲۹) دانسته‌اند و از این‌رو، رضا را مقام واصلان و نهایت مقام سالکان گفته‌اند (هجویری، ۱۴۲۸ق: ص ۲۷۲). عرفا با نظر به آیات و روایات، تعاریف گوناگونی برای رضا بیان کرده‌اند، اما مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که عارفان رضا را در پیوند مستقیم با آن تعریف کرده‌اند، قضا و قدر و احکام الهی است. آن‌ها رضا را با عباراتی چون ترك اختیار، سکون و اطمینان قلب و برتر از آن شادی و سرور در برابر قضای الهی، به‌ویژه در بلا، و به‌طور کلی خشنودی از تقدیر خدا و مالکیت او بر همه امور تعریف کرده‌اند (خرگوشی، ۲۰۰۶م: ص ۱۲۹-۱۳۱)؛



کاشانی، ۱۳۷۲: ص ۲۹۷). آنچه در عرفان بیشتر به منزله اصل و حقیقت رضا از آن یاد شده، ترك اختيار يا محو اراده انسانی در اراده الهی است؛ یعنی انسان هیچ اراده‌ای برخلاف اراده خداوند نداشته باشد که این امر مستلزم ترك حظوظ است (کاشانی، ۱۳۷۲: ص ۲۰۶). ابوطالب مکی (۱۳۱۰ق: ج ۲، ص ۴۰) در این باره گفته است که در مقام رضا، قلب به آنچه خداوند در جمیع امور مقدر کرده، مسرور و در هر واقعه دنیوی که موجب تشویش می‌شود، آرام و مطمئن است. نفس نیز در هر وضعی آرام است. هجویری (۱۴۲۸ق: ص ۲۶۹) نیز صفت اصلی رضا را رهانیدن از اندوه، غفلت، اندیشه غیر و اسارت در مشقت‌ها دانسته است.

رضایت در علم روان‌شناسی دارای تعاریف مختلفی است که در تمام این تعاریف رضایت يك احساس درونی معرفی شده است. هرچند این احساس، منقطع از دنیای خارج و واقعیت‌های بیرونی نیست و می‌تواند تحت تأثیر آن‌ها باشد، اما وابسته به آن‌ها نیز نیست و این امکان وجود دارد که در بدترین اوضاع نیز بتوان از زندگی، احساس رضایت داشت. احساسات ما آن گونه شکل می‌گیرند که می‌اندیشیم. بنابراین، می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که احساس رضامندی یا نارضایتی، در چگونگی تفکر ریشه دارد و برای رسیدن به رضایت از زندگی باید در تفکرات خود تجدید نظر کنیم؛ یعنی برای رسیدن به رضامندی، تهیه و تأمین امکانات فراوان لازم نیست، بلکه با ایجاد تغییر در تفکرات می‌توان به آن دست یافت (پسندیده، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۲۰-۱۹).

۲- رضا در صحیفه سجادیه و مفهوم آن از نگاه امام سجاده علیه السلام

واژه رضا و مشتقات آن ۷۹ بار در صحیفه سجادیه به کار رفته است که نشان‌دهنده اهمیت مسئله رضا و توجه ویژه امام سجاده علیه السلام به این موضوع است.



در نگاه امام سجاد علیه السلام، رضا یک رابطه دو سویه بین خدا و بنده و همچنین، رابطه‌ای دو سویه میان انسان‌هاست. در این مقاله، مراد از رضا، رضای خدا از بنده و رضای بنده از خداست. امام سجاد علیه السلام رضای خدا از بنده را در کوشش بنده برای دستیابی به رضای خدا متبلور می‌داند. البته رضای بنده از خدا هم در همین راستا شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که راضی بودن بنده به قضای الهی و رزق مقدر (دعای ۳۵) و تلاش برای کسب رضای خدا (با انجام امور مورد رضای خدا)، بنده را به مقام رضا می‌رساند. او مرضی خدا می‌شود و به مقام رضوان الهی که همان رضای خدا از بنده است، نائل می‌شود:

«اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعَ الرَّسُولِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ... اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ وَ كَانُوا وَ أَشْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةً رِسَالَتِهِ... وَ انْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكُنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ؛ خدایا، و اما پیرو پیامبران و مصدقین ایشان به غیب از اهل زمین به هنگام حضور پیامبران که معاندین‌شان با سلاح تکذیب به معارضه ایشان برخاسته بودند... خدایا، و مخصوصاً اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، مخصوصاً همان کسان که شرط صحبت آن حضرت را به خوبی رعایت کردند و آنان که در یاری‌اش از عهده امتحان پایداری به خوبی برآمدند و با او مددکاری کردند و به تصدیق رسالتش شتافتند و به پذیرفتن دعوتش سبقت گرفتند. و چون حجّت رسالت‌های خود را به گوش ایشان فروخواندند... قبایل‌شان از ایشان دوری کردند و چون در سایه خویشاوندی او مسکن گزیدند خویشان از ایشان بیگانه گشتند. پس، خدایا گذشتی را که برای تو و در راه تو انجام دادند، از نظر دور مدار و به سبب آن فداکاری‌ها و در برابر آنکه خلق را بر تو گرد آوردند و با پیغمبرت از جمله داعیان به سوی تو بودند، ایشان را از خشنودی خود خشنود ساز» (دعای ۴).



۱-۲- معیار رضایت خدا از بنده و مفهوم آن

مفهوم رضایت برای خدا مثل مفهوم رضایت برای انسان نیست؛ چون رضایت در انسان حالتی است برای نفس که در مواجهه با هر چیزی که ملایم با نفس باشد، بر آن عارض می‌شود و نفس آن را می‌پذیرد و از خودش دور نمی‌کند. وقتی این کلمه به خدای سبحان (که نه نفس دارد و نه دل) نسبت داده می‌شود، مراد از آن ثواب و عقاب اوست. بنابراین، رضای خدا به معنی ثواب و پاداش نیک است، نه هیئتی که حادث و عارض بر نفس می‌شود؛ چون محال است خدای تعالی در معرض حوادث قرار گیرد. رضایت و سخط از صفات فعل خدایند، نه از صفات ذات او (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ص ۴۲۵). البته خدا زمانی از بنده راضی می‌شود که بنده برای رسیدن به رضای خدا تلاش کند و از خدا راضی باشد. این امر محقق نمی‌شود مگر با رعایت معیارها و عواملی که در متون دینی از جمله صحیفه سجاده امام سجاد علیه السلام برای رسیدن به مقام رضای خدا بیان شده است. در ادامه، به این معیارها در صحیفه سجاده اشاره می‌شود:

۱-۲-۱- ایمان به خدا و جانشینان او در زمین

اولین معیاری که برای رضایت خدا از بنده می‌توان نام برد، ایمان به خدا و جانشینان او در زمین است. ایمان یعنی تسلیم توأم با اطمینان خاطر. پس، مؤمن کسی است که به حق تسلیم باشد و آن قهراً با عمل توأم است و بدون آن مصداق ندارد (قرشی، ۱۳۰۷: ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۴). امام سجاد علیه السلام مقام رضوان را متعلق به پیامبران، امامان، تصدیق‌کنندگان و مؤمنان به آن دو دانسته است. مبحث ایمان به پیامبران و امامان بعد از ایمان به خدا مطرح می‌شود؛ زیرا تا ایمان به خالق هستی وجود نداشته باشد، مبحث ایمان جانشینان او موضوعیت ندارد. لذا ایمان به خدا مقدمه ایمان به پیامبر و امامان است:



«اللَّهُمَّ وَاتَّبِعِ الرَّسُولَ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ؛ خدایا، و اما پیرو پیمبران و مصدقین ایشان به غیب از اهل زمین... پس، خدایا ایشان را از لطف و کرم خود به غفرانی و رضوانی یاد و شاد فرمای» (دعای ۴).

۲-۱-۲- اطاعت از خدا

اطاعت از خدا یکی دیگر از معیارهای رضایت خدا از بنده است. در واقع، برای رسیدن به رضای خدا و هر آنچه نزد اوست، اطاعت خدا ضروری است. معنای طاعت خدا این است که انسان چیزی را که خدا می‌پسندد، بپسندد و چیزی را که نزد خدا ناپسند است، نپسندد. اگر انسان براساس این دیدگاه عمل کند، به فضل، قدرت و رحمت الهی می‌تواند به مقام رضا برسد و نزد خدا شرافت یابد و محبوب شود:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَفْرِكِ، ماضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ... وَ لَا أَشْتَطِيعُ مُجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ وَ لَا أَشْتَمِيلُ هَوَاكَ وَ لَا أَنْبُلُ رِضَاكَ وَ لَا أَنْالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ؛ خدایا، تو اگر روی نیکویت را از من بگردانی... با فرمانت مرا فرمانی نیست، حکمت درباره من روان و قضایت در حق من به آیین عدل است... و بر تجاوز از قدرتت توانایی ندارم و به جلب محبتت قادر نیستم. و به خشنودیت نمی‌رسم و به خزانه‌های رحمتت دست نمی‌یابم، مگر به مدد اطاعت تو و رحمت سرشار تو» (دعای ۲۱؛ نیز ر.ک: دعای ۲۲ و ۴۳).

نکته مهم این است که فرمانبرداری از دستورهای خدا، کوشش برای بندگی خدا و ترک گناه و حفظ خود، طاعت خدا محسوب می‌شوند و موجب رضا و خشنودی خدا هستند.



۳-۱-۲- اطاعت از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام و حمایت از آنها

حضرت محمد ﷺ و خاندانش، نشانه‌هایی برای هدایت هستند و خدا به وسیله آن‌ها راه رضا و خشنودی خود را روشن کرده است:

«اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ وَ أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَضَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ؛ خدایا، همچنان که به کتاب خود محمد را برای دلالت بر خویش نشانه ساختی و به آل محمد راه‌های رضای خود را آشکار کردی، پس بر محمد و آلش رحمت فرست» (دعای ۴۲ و ۴۷).

بنابراین، مؤمنان در صورتی می‌توانند رضای خدا را کسب کنند که ضمن داشتن ایمان به پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام (دعای ۴۲)، دستورهای آنان را اطاعت و از اموری که نهی کرده‌اند، دوری کنند. افزون بر این، در امور مختلف نیز از آن‌ها پیشی نگیرند و عقب نمانند (دعای ۴۷)؛ بدین معنا که طبق راه و روش پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام عمل کنند و راه آنان را ادامه دهند (دعای ۴). همچنین، مؤمنان باید با جانشینان خدا در زمین - یعنی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام - مصاحبت و معاشرت نیکو داشته باشند و به آن‌ها مهر بورزند، برای برقراری و اعتلای آیین حق آنان را یاری کنند و تمام تلاش خود را به کار گیرند و از جان و مال خود بگذرند تا جانشینان خدا بتوانند حکومت الهی را در زمین اجرا کنند؛ زیرا لازمه این امور دفاع از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در برابر خطرها و دشمنان است. مؤمنان با انجام این امور می‌توانند رضای پیامبر ﷺ و خاندانش را به دست آورند و از این طریق به رضای خدا دست یابند؛ چون رضای پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، رضای خداست، همان‌طور که طاعتشان طاعت خدا و نهی‌شان نهی خداست (دعای ۴). ذکر درود بر محمد و آل محمد (صلوات) نیز موجب خشنودی پیامبر و خدا می‌شود:

«رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَوةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأَنَفَةٍ وَ صَلَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَوةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ» (دعای ۴۷).



۴-۱-۲- تمسک به قرآن

در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که مسیر خشنودی خدا را روشن نموده‌اند، خداوند، قرآن را وسیله‌ای برای رسیدن به مقام رضا، رضوان و والاترین منازل کرامت خود قرار داده است؛ زیرا طبق سخنان امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ، قرآن انسان را از ظلمت گمراهی و جهالت دور و به نور هدایت رهنمون می‌کند و او را از کفر و نفاق و فراتر رفتن از دین مصون می‌دارد. قرآن مایه شفا و سلامت دنیوی کسانی است که از سر تصدیق به آن گوش می‌دهند، به آن همچون ریسمانی محکم چنگ می‌زنند، در امور شبهه‌انگیز به آیاتش پناه می‌برند و از غیر قرآن و کسانی که عامل به قرآن نیستند، هدایت نمی‌جویند. بنابراین، قرآن برای دستیابی به رضای خدا در دنیا و رسیدن به رضوان و بهشت‌های خدا در محشر به بندگان خدا کمک می‌کند:

«اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ وَ أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ... وَ اغْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوَاةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ قَائِدًا؛ خدایا، همچنان که به کتاب خود محمد را برای دلالت بر خویش نشانه ساختی و به آل محمد راه‌های رضای خود را آشکار کردی... از دره عمیق کفر و موجبات نفاق نگاه‌دار تا در قیامت قرآن ما را به سوی خشنودی و بهشت تو سوق دهد» (دعای ۴۲).

۲-۱-۵- قطع رابطه با منکران حق

قطع رابطه و حتی نبرد با منکران حق - حتی اگر از خویشاوندان و دوستان باشند - یکی دیگر از شروط رضایت خدا از بنده است:

«وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أُسْرَتَهُ وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَتَهُ؛ و برای خشنودی تو با قبیله خود کارزار کرد و در راه احیای دین تو رشته خویشاوندی خود را بگسیخت» (دعای ۲).



درمقابل، باید با پذیرندگان حق - یعنی پیامبر ﷺ، ائمه ﷺ و مؤمنان به آنها - رابطه دوستی برقرار کرد تا موجبات رضایت خدا فراهم شود: «وَأَقْضَى الْأَذْنِينَ عَلَيَّ جُحُودِهِمْ وَ قَرَّبَ الْأَقْضِينَ عَلَيَّ اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ؛ و نزدیک ترین بستگانش را به علت اصرار بر انکار تو از خویش دور کرد و دورترین مردم را به دلیل پذیرفتن دین تو به خود نزدیک ساخت» (دعای ۲).

۶-۱-۲- کوشش برای دعوت مردم به حق

به گفته امام سجاد علیه السلام، به خطر انداختن جان خود برای دعوت مردم به آیین خدا، نصیحت کردن پذیرندگان دعوت حق و هجرت و سفر به دیار غربت و محل دور از خانواده برای رسیدن به این اهداف از جمله معیارهای رضایت خدا از بنده است: «وَسَعَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَ هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْعُرْبَةِ وَ مَحَلِّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ وَ مَأْنِسِ نَفْسِهِ؛ و به نصیحت پذیرندگان دعوت مشغول داشت و به سرزمین غربت و محل دوری از جایگاه اهل و عشیرت و منشأ و مولد و آرامگاه جانش هجرت کرد» (دعای ۲).

۷-۱-۲- حمد و شکر

حمد و شکر خداوند، با جان و خرد و زبان، در همه زمانها و مکانها از جمله عواملی است که نشان دهنده رضایت بنده از خداست. هنگامی که بنده ای از نعمت های وجودی خود مطابق خواست خدا استفاده کند، در واقع شکر نعمت های خدا را به جا می آورد؛ زیرا حقیقت شکر آن است که بنده، اعضا و جوارح و خرد خود را آن گونه که خدا می پسندد، به کار بگیرد:

«حَمْدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي فَتَجَنِّي مِنْ سَخَطِكَ» (دعای ۵۱).



همان طور که گفته شد، حقیقت شکر تنها شکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» نیست. در واقع، انسان در پرستش و بندگی خدا باید ظاهر و باطن خود را هماهنگ سازد تا ظاهرش گویای باطن باشد. بنابراین، اگر زبان ظاهر به ستایش گشوده شود، ولی زبان دل با آن هم آواز نباشد، اثر چندانی بر ستایش زبانی مترتب نمی‌شود و در قیامت هم خریداری نخواهد داشت. زبان باید ترجمان دل باشد تا ذکرش، صادق و خالص باشد و شکر و ثنای او مؤثر افتد (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ذیل دعای ۳۲). همچنین، طبق گفته امام سجاد علیه السلام بنده‌ای که می‌خواهد به مقام رضای خدا برسد باید شکر و سپاسش در برابر چیزهایی که خدا از او بازداشته، از شکر و حمد برای نعمت‌هایی که خدا در اختیارش قرار داده است، بیشتر باشد: «وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَيَّ مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَيَّ مَا حَوَّلْتَنِي» (دعای ۳۵).

۸-۱-۲- ترک محرمات و گناهان

امام سجاد علیه السلام، خودداری از گناه - «وَ اتَّقِي ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا» (دعای ۴۵) - و محرمات، ترک حسد و پیروی نکردن از هوای نفس (دعای ۳۲ و ۲۲)، حفظ اعضا و جوارح از گناهان مخصوصشان و به کار بستن اعضا و جوارح در راه رضای خدا را موجب خشنودی خدا خوانده است؛ مثلاً اگر بنده‌ای به گفتار لغو گوش نکند و با چشمان خود به تماشای لهو نپردازد، خدا از او راضی خواهد بود؛ یعنی بنده با عمل به اوامر الهی و ترک نواهی خدا که همان طاعت خداست، می‌تواند به رضای خدا دست یابد:

«وَ أَعِنَّا عَلَي صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يَرْضِيكَ حَتَّى لَا نُضْغِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ وَ لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ وَ حَتَّى لَا تَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ وَ لَا نَحْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ وَ حَتَّى لَا تَبِيَّ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ» (دعای ۴۴).



البته حفظ اعضا و جوارح از گناه و به کار بستن آن‌ها در راهی که مورد خشنودی خداست، تنها با یاری گرفتن از خدا میسر می‌شود.

۹-۱-۲- توبه

براساس سخنان امام علیه السلام، توبه از هر معصیت و خطا - البته توبه واقعی که با پرهیز از گناه و عدم رجوع به آن همراه باشد - باعث خشنودی و رضای خدا می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فَطَرْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيداً وَ سُروراً... وَ لَا يَمُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ، تَوْبَةٌ نَصُوحاً خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَ الْإِزْتِيَابِ، فَتَقَبَّلَهَا مِنَّا وَ ارْضَ عَنَّا وَ تَبَسَّنا عَلَیْهَا» (دعای ۴۵).

۱۰-۱-۲- انجام دادن کار خیر

انجام دادن کار خیر (دعای ۴۵) و حرکت در راه‌های احسان خدا با استعانت از فضل و لطف خداوند، موجب رضای خداست:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَ جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّةِهِ وَ سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمداً يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا وَ يَرْضَى بِهِ عَنَّا» (دعای ۴۴).

۱۱-۱-۲- دعا و استغاثه به درگاه خدا

دعا به درگاه الهی از اعمال مورد رضای خداست؛ به همین دلیل است که خدا به انجام آن فرمان داده و آن را نوعی عبادت معرفی کرده است. امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجاده می‌فرماید:



«فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ، وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ وَ دَعَاكَ بِأَمْرِكَ... وَ فَوَّزُهُمْ بِرِضَاكَ وَ قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمِعْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً وَ تَزَكَّةً اسْتِكْبَاراً وَ تَوَعَّدْتَ عَلَى تَزَكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (دعای ۴۵).

ترک دعا، کبر ورزیدن در برابر خدا محسوب می شود که مورد سخط و خشم خداست، لذا خدا ترک کننده دعا را تهدید کرده که با خواری به دوزخ داخل می شود.

۱۲-۱-۲- صدقه دادن

صدقه دادن، چه واجب چه مستحبی، باعث افزایش احسان خدا به بندگان می شود. طبق بیان امام سجاد علیه السلام در دعای ۴۵ صحیفه سجادیه، صدقه دادن تنها راه نجات انسان از خشم خدا و دست یافتن به رضای اوست:

«فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ وَ دَعَاكَ بِأَمْرِكَ وَ تَصَدَّقُوا لَكَ طَلِباً لِمَزِيدِكَ وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ وَ فَوَّزُهُمْ بِرِضَاكَ» (دعای ۴۵).

۱۳-۱-۲- ذکر خدا

ذکر گفتن و به یاد خدا بودن از دیگر عواملی است که باعث رضایت خدا می شود؛ همان طور که امام سجاد فرموده اند:

«فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ وَ دَعَاكَ بِأَمْرِكَ وَ تَصَدَّقُوا لَكَ طَلِباً لِمَزِيدِكَ وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ وَ فَوَّزُهُمْ بِرِضَاكَ» (دعای ۴۵).

۱۴-۱-۲- دینداری

دینداری و ترک نکردن چیزی از دین خدا به خاطر ترس از آفریده ای دیگر از جمله عواملی است که انسان را به رضوان خدا می رساند:



«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّةِهِ وَ سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا وَ يَرْضَى بِهِ عَنَّا» (دعای ۴۴)، «لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ» (دعای ۵۴).

۱۵-۱-۲- اصلاح و تهذیب نفس

امام سجاد علیه السلام، اصلاح و تهذیب نفس را از دیگر عوامل رفتاری که موجب رضای خداست، معرفی می کند؛ بدین معنا که بنده چیزهایی را که مورد رضای خداست به نفسش اضافه می کند و چیزهایی را که مورد رضای خدا نیست، از نفسش دور می کند و بدین طریق، رضای خدا را کسب می کند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَفْلَكُ بِهِ مِنِّي وَ قُدْرَتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَعْظَمُ مِنْ قُدْرَتِي فَأَعْظِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاَهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ» (دعای ۲۲).

۱۶-۱-۲- حفظ حرمت ماه رمضان

اگر کسی حد و حدود ماه رمضان را به شایستگی رعایت کند و احترام این ماه را نگه دارد، موجب خشنودی خدا می شود و خداوند رحمتش را شامل حال او می کند:

«اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَائِيَّتِهِ وَ حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَ قَامَ بِخُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا وَ اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ جَبَتْ رِضَاكَ لَهُ» (دعای ۴۵).

۲-۲- عوامل رفتاری رضایت بنده از خدا

بندگانانی که از خدا راضی هستند، با بروز رفتارهایی، این رضایت را نشان می دهند:

۱-۲-۲- عبادت

عبودیت، اظهار تذلل و عبادت، غایت تذلل است. عبادت خدا بر دو گونه است: یکی، اطاعت از اوامر او و اینکه در زندگی روزمره، در حلال و حرام و غیره، از



دستورات خداوند و دین او پیروی کنیم. این عبادت به معنی طاعت و فرمانبری است، مانند: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (فاتحه: ۵). دیگری، تذللی است توأم با تقدیس؛ یعنی بنده نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می کند و در عین حال، او را پاک از تمام نقائص و دارای تمام کمالات می داند، با بدن رکوع و سجود به جا می آورد و با زبان می گوید:

«الله اکبر، سبحان الله، الحمد لله، ایاک نستعین»؛ یعنی معبود من بزرگ تر از آن است که به وصف درآید، او پاک و منزّه است، همه حمد‌ها از آن اوست و از وی یاری می جویم (قرشی، ۱۳۰۷: ج ۴، ص ۲۸۰-۲۷۹).

عبودیت و بندگی در برابر وجود مقدس خداوند، برترین نعمتی است که خدا برای ابراز محبت و لطف به انسان‌ها به آن‌ها عطا کرده است. طبق گفته امام سجاد علیه السلام، انسان‌ها با عبادت به عزت می رسند - «وَالْعَزِيزُ مَنْ أَعَزَّنْهُ عِبَادَتُكَ» (دعای ۳۵) - و رضای خدا را به دست می آورند و محبوب او می شوند.

۲-۲-۲- حب فی الله و بغض فی الله

انسان برای اینکه بتواند به مقام رضوان الهی برسد، چیزی را که محبوب خداست، مکروه و ناپسند نمی داند و به چیزی که از حسن عاقبت دور است، گرایش نمی یابد و آنچه را خدا نمی پسندد، انتخاب نمی کند:

«وَنُكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ وَ نَجْنَحَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ... وَ لَا نُكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ وَ لَا تَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ» (دعای ۳۳)، بلکه طبق آنچه خدا دوست دارد و می پسندد، عمل می کند: «وَالْعَمَلُ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى» (دعای ۲۱).

معیارهای رضایت خدا از بنده، در صورت عملی شدن، در زمره عوامل رفتاری رضایت بنده از خدا نیز قرار می گیرند.



۳-۲- عوامل نگرشی رضایت بنده از خدا

برای اینکه بنده‌ای به رضای خدا دست یابد، در بعد نگرشی نیز باید ویژگی‌هایی داشته باشد که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۳-۲- خشنودی به قضای الهی

از جمله عوامل نگرشی رضایت بنده از خدا خشنودبودن به قضای الهی است:

«وَ طَيْبَ بِقَضَائِكَ نَفْسِي وَ وَسَّعَ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي وَ هَبْ لِي التَّقَةَ لِأَوْفَرِ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ» (دعای ۳۵، ۳۳ و ۲۲).

در قرآن، صحیفه سجادیه و احادیث دیگر، بارها به راضی‌بودن به قضا و قدر (به‌ویژه قضای الهی) اشاره شده است.

تقدیر به معنی اندازه‌گیری است. در روایات، تقدیر به هندسه و مهندسی امور تفسیر شده است: «هِيَ الْهَنْدَسَةُ؛ آن (تقدیر) هندسه است» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۵۷). عالم با این پدیده‌های بی‌شمار دارای نقشه مهندسی است. این تقدیرات و اندازه‌گیری‌ها با اختیار خداوند صورت گرفته و خداوند در این امر مجبور نبوده است. در این مرحله مسئله مشیت مطرح می‌شود؛ بدین معنا که هر امری به خواست خداوند واقع شده است و اگر او نمی‌خواست انجام نمی‌گرفت. قبول این نکته، اندکی از پذیرش اذن الهی دشوارتر است. مرحله اذن این است که خداوند مانعی برای انجام فعل ایجاد نمی‌کند، اما در مرحله مشیت، افزون بر اینکه اذن الهی وجود دارد، خداوند می‌خواهد که فعل انجام گیرد. بعد از آن، مرحله اراده است و درنهایت، وقتی خداوند اراده کرد، جزء اخیر علت تامه فراهم می‌شود و کار حتمی شده، بر قضای الهی منطبق می‌گردد: ﴿إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛ و چون به کاری حکم کند، فقط می‌گوید: موجود باش. پس، فوراً موجود می‌شود» (بقره: ۱۱۷).



قضا یعنی گذراندن و کار را تمام کردن و رساندن کار به جزء اخیر علت تامه است. بنابراین، با فراهم شدن همه زمینه‌ها، مرحله قضای الهی فرامی‌رسد. همه آنچه در این عالم وجود دارد، مشمول قضای الهی هستند و همه، این مراحل را گذرانده‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: جلسه ۲۳). کسی یا چیزی قدرت خروج از قضای الهی را ندارد. پس، رضا به قضای الهی یعنی هر چه خدا انجام می‌دهد، بنده بپسندد و به آن رضایت بدهد. رضایت بنده از خدای تعالی، زمانی محقق می‌شود که بنده از اموری که خدا از او خواسته، کراهت نداشته باشد و هر چیزی را که خدانهی کرده و از او نخواست است، دوست نداشته باشد. این مطلوب محقق نمی‌شود مگر وقتی که بنده به قضای الهی و کارهای تکوینی او راضی باشد و به حکم او و آنچه تشریحاً از وی خواسته است، تن در دهد و به عبارت دیگر، در تکوین و تشریح، تسلیم خدا شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۵۱۰).

بنده‌ای که به قضا و قدر الهی راضی است، به نعمت‌های دیگران (مال و ثروت دیگران) حسد نمی‌ورزد؛ همچنان که با دیدن نعمت دیگران (فقر دیگران) دچار کبر و غرور نمی‌شود. او می‌داند که این‌ها آزمایش الهی و بنابر قضا و قدر عادلانه خداوند است:

«لَا أَمْرٌ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَا ضَرَّ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ وَلَا قُوَّةٌ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ» (دعای ۳۵ و ۲۱).

لذا کسی که به قضای الهی راضی است، تهیدست و تهیدستی را بد و خوار نمی‌شمارد و در مقابل، ثروتمند و ثروت را برتر نمی‌داند؛ چون در غیر این صورت، حکم خدا را خوار شمرده است و خوار شمردن حکم خدا نشانه نارضایتی از قضا و قدر الهی است. وقتی انسان به قضا و قدر الهی راضی نباشد، مطمئناً رضای خدا را به دست نخواهد آورد (دعای ۳۵).





به این نکته توجه داشته باشید که امام سجاد در کنار رضا به قضای الهی، درباره درخواست قضای خیر، الهام و آگاهی از حکم خدا (برای رضای بنده از خدا) نیز سخن گفته است. بدین طریق انسان از تردید رهایی می‌یابد، با اطمینان، به خیربودن قضای خدا اقرار می‌کند و همچون مخلصان به خدا یقین پیدا می‌کند و تسلیم حکم او می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ إِلَهَهُ وَأَفْضِلْ لِي بِالْخَيْرَةِ وَالْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيَعَةً إِلَيَّ الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمَ لِمَا حَكَمْتَ فَأَزْخُ عَنَّا رَيْبَ الْإِزْتِيَابِ وَ أَيْدُنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ» (دعای ۳۳ و ۳۵).

۲-۳-۲- معرفت به صفات خدا

معرفت و اعتقاد به اینکه خداوند، حکیم و عادل است و با صفت فضلش با همه مخلوقات رفتار می‌کند، رزق و روزی را به عدالت در میان بندگان تقسیم می‌کند و خیرخواه بندگان است، به خشنودی از قضا و قدر الهی منجر می‌شود. نتیجه این خشنودی دستیابی به رضای خداست:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ وَ أَحَدًا عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ... وَ طَيِّبَ بِقَضَائِكَ نَفْسِي وَ وَسَّعَ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَفِرَّ مَعَهَا بَانَ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ» (دعای ۳۵).

۳-۳-۲- راضی بودن به رزق خود

راضی بودن به رزق و سهمی که خدا قسمت کرده است، از جمله عوامل نگرشی رضایت بنده از خداست:

«وَ أَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَ أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَ عُمْرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (دعای ۳۲ و نیز ر.ک: دعای ۳۵ و ۲۲).

بنا بر گفته امام سجاد علیه السلام، بنده‌ای که به رزق و سهمی که خدا قسمت او کرده، راضی باشد، به نعمت‌های دیگران (مال و ثروت دیگران) حسد نمی‌ورزد، همچنان که با دیدن نعمت دیگران (فقر دیگران) دچار کبر و غرور نمی‌شود؛ چون می‌داند که این‌ها همه آزمایش الهی و بنا بر قضا و قدر خداوند است. پس، تهیدستی و تهیدستی را بد و خوار نمی‌شمارد و درمقابل، ثروتمند و ثروت را برتر نمی‌پندارد. در غیر این صورت، حکم خدا را خوار شمرده است و خوارش کردن حکم خدا نشانه نارضایتی از قضا و قدر الهی است. وقتی انسان به قضا و قدر الهی راضی نباشد، مطمئناً رضای خدا را به دست نخواهد آورد:

«وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا أُعْطَيْتَهُمْ وَلَا تَفْتِنَّهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ وَأَعْمَطَ حُكْمَكَ»
(دعای ۳۵).

۴-۳-۲- رغبت به خدا

بنده‌ای که در پی خشنودی خداست، فقط به خدا شوق و رغبت دارد؛ همان‌طور که فقط از خدا می‌ترسد. این نگرش بر رفتار او نیز تأثیر می‌گذارد و اعمالشان فقط برای جلب رضای پروردگار است:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... لِيَتُرَدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ» (دعای ۴).

۵-۳-۲- اعتماد به خدا

بنده‌ای که از خدا راضی است و تلاش می‌کند رضای خدا را به دست آورد، امید و اعتمادش فقط به خداست:



«وَاسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
 اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي... فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ
 كُلِّهَا» (دعای ۵۴)؛ چون به این موضوع که رضای خدا بیشتر از خشم اوست،
 آگاهی و معرفت دارد: «وَ يَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ» (دعای ۱۲). همچنین،
 می‌داند که هر چه خدا برایش مقدر می‌کند، پایان و عاقبتش خیر است: «فَأَفْضَلِي
 بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً» (دعای ۵۴).

۶-۳-۲- حب خدا

محبت به خدا از جمله عوامل نگرشی رضایت بنده از خدا است؛ زیرا محب هر
 آنچه از محبوب صادر می‌گردد، زیبا می‌بیند. در واقع، رضا فرع محبت است. اگر
 بنده به مقام محبت برسد، مقام و فضیلت رضا نیز خودبه‌خود به دست می‌آید (شبر،
 ۱۳۸۴: ص ۳۶۹). کسی که به مقام رضا نائل می‌گردد، همواره در سرور و بهجت و
 راحتی به سر می‌برد؛ زیرا به همه چیز به چشم رضایت می‌نگرد و در واقع، همه امور
 بر وفق مراد او پیش می‌رود و در نتیجه، از هر غم و اندوهی رها می‌شود:
 «وَأَمْنُنْ عَلَيَّ بِشَوْقِي إِلَيْكَ وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ
 ذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ» (دعای ۲۱).

۴-۲- کارکرد رضا در دنیا و آخرت

۱-۴-۲- کارکرد رضا در دنیا

۱-۱-۴-۲- کسب رحمت خدا

هنگامی که انسان برای کسب رضای خدا کوشش کند، از رحمت خدا بهره‌مند
 می‌شود؛ یعنی خدا احسان و نعمت خود را به او عطا می‌کند (قرشی، ۱۳۰۷: ج ۳،
 ص ۷۰) و موجبات رسیدن او را به مقام رضا فراهم می‌کند:



«وَلَا تَبْلُغْ رِضَاكَ وَلَا أَنْالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ» (دعای ۲۱)، «فَهَبْ لِي إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا اتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرِجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ» (دعای ۴۹).

۲-۱-۴-۲- غفران الهی

مغفرت الهی نصیب کسی می شود که خدا از او راضی باشد. طبق گفته امام سجاد علیه السلام، درجه کرامت بنده با غفران الهی کامل تر می شود: «فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ» (دعای ۴)، «وَسَرِّفْ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ وَأَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ» (دعای ۴۱).

۳-۱-۴-۲- بهره مندی از درود خدا

خداوند تا روز قیامت بر بنده ای که رضای او را جلب کند، درود می فرستد. این درود مانع معصیت بنده در دنیا می شود: «اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، صَلَوَةٌ تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ» (دعای ۴).

۴-۱-۴-۲- محفوظ ماندن از شیطان و شرور

در امان ماندن از حوادث شر شب و روز و مکر شیطان یکی دیگر از کارکردهای رضا در دنیاست:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ... وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ» (دعای ۴).



۵-۱-۴-۲- توفیق انجام خیر

انسان بدون توفیق الهی نمی تواند هیچ کار خیری انجام دهد. کسی که مورد رضای خداست، خدا به او توفیق انجام کار خیر را می دهد:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَاثُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ» (دعای ۴).

۶-۱-۴-۲- اعتقاد نیکو

اعتقاد نیکو از جانب پروردگار به کسانی عطا می شود که توانسته اند رضای خدا را به دست آورند. این اعتقاد موجب می شود امیدشان تنها به خدا باشد و فقط به آنچه که نزد خداست، دل بسته شوند؛ یعنی امیدشان به دست خلق نیست و به خدا حسن ظن دارند:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَتَبِعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَكُّلِ التُّهْمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ» (دعای ۴).

۷-۱-۴-۲- دوری از کبر و حسد

تکبر در برابر انسان های ضعیف تر و حسد ورزیدن به انسان های برتر از خود مانع کسب رضای خدا می شود. کسی که در پی کسب رضای الهی است، از کبر و حسد دوری می کند؛ چون می داند هر چه به او می رسد (چه نعمت و چه نعمت) براساس قضا و قدر و آزمایش الهی است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ... وَلَا تَفْتِنَنِي بِمَا أُعْطِيَتْهُمْ وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ» (دعای ۳۵).



۸-۱-۴-۲- مرگ آسان

مرگ آسان نصیب کسانی می‌شود که خداوند از آن‌ها راضی است:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَّوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَتُهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلُّ كَرْبٍ يُحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَيْدِيهَا» (دعای ۴).

۹-۱-۴-۲- بی‌رغبتی به دنیا و محبت به آخرت

یکی دیگر از کارکردهای رضایت خدا از بنده در دنیا این است که بنده به دنیای فانی بی‌رغبت می‌شود، محبت به آخرت و عمل کردن برای آخرت نصیب او می‌شود و در نتیجه، تمام همتش را صرف آماده‌شدن برای آخرت می‌کند:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَّوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَتُرْهَدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَتُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» (دعای ۴).

۱۰-۱-۴-۲- در امان ماندن از فتنه‌ها

در امان ماندن از فتنه‌ها و هر محذوریتی که به موجب فتنه‌ها و محنت‌ها به وجود می‌آید، از دیگر کارکردهای دنیوی رضایت خدا از بنده است که امام سجاد علیه السلام آن را چنین بیان کرده است:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَّوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا» (دعای ۴).



۲-۵- کارکرد رضا در آخرت

۲-۵-۱- بالا رفتن درجه

طبق گفته امام سجاد علیه السلام، اگر خدا از بنده‌ای راضی باشد، درجه او را در میان بندگانش بالا می‌برد و او را جزء اصحاب یمین، فائزان، مؤمنان و صالحان قرار می‌دهد:

«وَأَطْوَعُهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَرًّا شَرَّفَ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ وَ أَكْمَلَ كِرَامَتِي بِعُفْرَانِكَ وَ انْطَمَنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ وَجَّهَنِي فِي مَسَالِكِ الْآمِنِينَ وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ» (دعای ۴۱ و ۴).

۲-۵-۲- بهشت

پاداش عمل کردن مطابق رضای خدا، بهشت خواهد بود. وقتی بنده در راه رضای خدا قدم برمی‌دارد و طاعت خداوند را به‌جا می‌آورد، خداوند بهشت خود را پاداش او قرار می‌دهد تا موجب رضایتش در آخرت شود. امام سجاد در این باره می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَ أَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَ أَحْلِلْنِي بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ» (دعای ۴ و ۴۱).

۲-۵-۳- مصونیت از آتش جهنم

از دیگر کارکردهای رضایت خدا از بنده این است که بنده از آتش جهنم و خلود در آن حفظ می‌شود:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَ أَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَ كَبَّةِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ وَ فِيهَا وَ تُصَيِّرُهُمْ إِلَى آمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ» (دعای ۴).



۴-۵-۲- آمرزش گناهان

امام سجاد علیه السلام آمرزش گناهان را از کارکردهای اخروی رضایت خدا از بنده معرفی کرده است؛ بدین معنا که خداوند از روی احسان، بنده‌هایی را که از آن‌ها راضی است، می‌آمرزد:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... تَعَصَّيْتَهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ»
(دعای ۴ و ۴۱).

۵-۵-۲- محاسبه اعمال بر مبنای فضل الهی

خداوند در روز قیامت، اعمال بنده‌ای را که طبق رضای الهی عمل کرده است، با ترازوی عدالت نمی‌سنجد: «وَلَا تَحْمِلْ عَلَى مِيزَانِ الْإِنصَافِ عَمَلِي» (دعای ۴۱)، بلکه از روی فضل، عمل اندک او را می‌پذیرد و اطاعت مختصرش را مزد می‌دهد: «وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ فَيَفْضِلِكَ، تَشْكُرُ يَسِيرًا مَا شَكَرْتَهُ وَتُثِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا» (دعای ۳۷).

۶-۵-۲- انتقال به مقام امن (مقام متقین)

در روز قیامت، پرهیزکاران در محلی که از هر مکروه و از مطلق ناملايمات ایمن است، ثابت و مستقر هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ص ۲۲۷). خداوند، بنده‌ای را که به رضای خدا دست می‌یابد، در آخرت به مقام امن که جایگاه اهل تقواست، منتقل می‌کند:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَأَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ... وَكِبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ وَفِيهَا وَتُصَيِّرُهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ» (دعای ۴).



نتیجه‌گیری

بررسی مفهوم رضا در صحیفه سجادیه نشان داد زمانی خدا از بنده راضی می‌شود که بنده برای رسیدن به رضای خدا کوشش کند و از خدا راضی باشد؛ به عبارت دیگر، انسان برای رسیدن به رضای خدا باید از نظر اعتقادی، اخلاقی و عملی به ویژگی‌هایی که در این تحقیق به آن‌ها اشاره شد، متصف شود. بنده با اتصاف به این ویژگی‌ها به مقام رضا می‌رسد. در مقام رضا - همان‌گونه که حضرت زینب علیها السلام بعد از واقعه عاشورا فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً» - همه چیز این دنیا برای او زیبا می‌شود؛ بدین معنا که وقتی انسان به مقام رضا می‌رسد همه اتفاقات، آسان و خوشایند باشند یا سخت و مصیبت‌بار، چون آن‌ها را مطابق با قضا و قدر الهی می‌داند، برایش آسان و حتی زیبا و گوارا می‌شوند و در نتیجه، او از آرامش روحی و جسمی و سلامت معنوی برخوردار می‌گردد. انسان در مقام رضا به احساس درونی مطلوب و رضایت‌بخشی دست می‌یابد و می‌تواند با خود، دیگران و خدای متعال ارتباطات سازنده برقرار کند. لذا کوشش برای رسیدن به رضای خدا، در واقع تلاش برای کسب آرامش روحی و سلامت معنوی نیز هست.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، ترجمه محمد جواد لنگرانی، (قابل دسترسی در: www.fazellankarani.com)، تاریخ بازبینی: ۱۳۹۸/۵/۶.
۳. پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، رضایت از زندگی، قم: دار الحدیث.
۴. خرگوشی، عبدالملک بن محمد (۲۰۰۶م)، تهذیب الاسرار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
۶. شیر، عبدالله (۱۳۷۴)، ترجمه محمدرضا جباران، قم: هجرت.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، ج ۱۷ و ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۰۷)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۲)، شرح منازل السائرین، تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
۱۰. کاشانی، محمود بن علی عزالدین (۱۳۸۲)، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران: هما.
۱۱. کلینی، جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (۱۳۸۸)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، درس گفتارهای سیمای شیعیان در کلام امیرمؤمنان علیه السلام، جلسه نوزدهم، (قابل دسترسی در: www.mesbahyazdi.ir)، تاریخ بازبینی: ۱۳۹۸/۵/۶.



۱۳. _____ (۱۳۹۲)، درس گفتارهای مبنا، متعلقات و انواع رضا، جلسه بیست و سوم، (قابل دسترسی در: www.mesbahyazdi.ir)، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۸/۵/۶.
۱۴. مکی، ابوطالب (۱۳۱۰ق)، قوت القلوب فی معامله المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید، قاهره: دارالکتب العلمیة.
۱۵. ممدوحی کرمانشاهی، حسن (۱۳۸۸)، شهود و شناخت، قم: بوستان کتاب.
۱۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۴۸)، معراج السعادة، قم: حوزه علمیه اسلامی.
۱۷. هجویری، علی بن عثمان (۱۴۲۸ق)، کشف المحجوب، ترجمه محمود احمد ماضی، قاهره: مکتبة الثقافة الدینة.



Bibliography

- 1- The Holy Quran, translated by Mohammad Mahdi Fuladwand
- 2- Hajviri, Ali ibn Uthman (١٤٢٨AH), Kashf Al-Mahjub, translated by Mahmoud Ahmad Madi, Cairo: Al-Thiqafah al-Diniyah school.
- 3- Imam Sajjad (AS), Sahifeh Sajadiyeh, translated by Mohammad Javad Lankrani, (available at: fazellankarani.com.www), date of review: ١٣٩٨/٥/٢٢
- 4- Kashani, Abdul Razzaq (١٩٩٣), A commentary on on Manazil al-Sairin, Edited by Muhsen Bidarfar, Qum: Bidar.
- 5- Kashani, Mahmoud bin Ali Ezzedin (٢٠٠٣), Mesbah al-Hidayah and Miftah al-Kifayah, Edited by efat Karbassi and Mohammad Reza Barzegar Khaleghi, Tehran: Homa.
- 6- Khargushi, Abdul Malik bin Muhammed (٢٠٠٢), Tahizib al-Asrar, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyyah.
- 7- Kuleini, Jafar Mohammad bin Ya'qub bin Ishaq (٢٠٠٩), Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyah.
- 8- Maki, Abu Talib (١٣١٠AH), Quwat al-Qulub , Cairo: Dar al-Kutb al-Imiyyah.
- 9- Mamdouhi Kermanshahi, Hassan (٢٠٠٩), Intuition and Cognition, Qum: Bustan Kitab.
- 10- Misbahizadi, Mohammad Taghi (٢٠٠٩), Shiites' Identity in Amir-al-Mu'minin's Speeches(AS), Nineteenth Session, (Available at: www.mesbahyazdi.ir), Review Date: ١٣٩٨/٥/٢٢
- 11- Misbahizadi, Mohammad Taghi(٢٠١٣), Lessons in Basic Speeches, Belongings, and Types of Riza, Twenty-third Session, (Available at: www.mesbahyazdi.ir), Review Date: ١٣٩٨/٥/٢٢
- 12- Naraghi, Ahmad ibn Mohammad Mahdi (١٣٢٨), Miraj al-Saadah, Qum: Islamic Seminary.
- 13- Pasandideh, Abbas (٢٠١٣), Life Satisfaction, Qum: Dar al-Hadith.
- 14- Qurashi, Sayyid Ali Akbar (١٣٠٧), TQamus of the Quran, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyah.
- 15- Ragheb Esfahani, Hussein Bin Mohammad (١٩٩٥), Al-Mufradat al-Qur'an , Damascus: Dar al-Qalam.
- 16- Shubar, Abdullah (١٣٧٢), Translated by Mohammad Reza Jabaran, Qom: Hijra.
- 17- Tabatabai, Mohammad Hossein (١٩٩٥), Tafsir al-Mizan, Volume, volumes ١٧ and ١٨, Qum: Islamic Publications Office.